

بررسی تأثیر و جایگاه لوطی‌ها در جنبش مشروطیت

خاطره اسمی‌زاده^۱، محمدرضا علم^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2019.4923](https://doi.org/10.22034/SKH.2019.4923)

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۳

نوع مقاله: ترویجی

چکیده

موضوع این مقاله، بررسی تأثیر و جایگاه لوطی‌ها در جنبش مشروطیت ایران است. لوطیان، از قدیم، طبقه‌ای خاص را تشکیل می‌دادند و اخلاق و عادات به‌خصوصی داشتند و اعمال آنها مورد توجه طبقات مردم بود. لوطی‌ها در اثر برخورداری از ویژگی‌هایی چون شجاعت و با توجه به پایگاهی که بین مردم داشتند، در بسیاری از وقایع و حوادث حاضر بودند. پژوهش پیش رو، نقش و جایگاه لوطیان در حوادث مشروطیت و دلایل مشارکت و انگیزه‌های آنان در فرایندهای سیاسی را تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خصوصیات ذاتی لوطی‌ها، تشکیلات سازمان‌یافته و مناسبات آنان با کانون‌های قدرت، از دلایل مهم حضور آنها در آشوب‌های مشروطیت بوده است.

واژگان کلیدی

لوطیان، مشروطیت، شورش، مشروطه‌خواهان، مجاهدان.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسندهٔ مسؤول):

khatere.esmizadeh@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه شهید چمران اهواز: mralam36@yahoo.com

مقدمه

لوطی‌گری، در فرهنگ و باورهای مردم ایران ریشه دارد. لوطی‌ها به جهت مرام و مسلکی که داشتند، ابزاری برای برقراری عدالت اجتماعی بودند. آنان با توجه به روحیاتی که از گذشتگان خود از فرهنگ عیاری و فتوت به ارث برده بودند، همواره خود را مدافع طبقات پایین نشان می‌دادند و نفوذ بسیاری در میان طبقات تنگدست جامعه داشتند. از آنجاکه وجوهات مشترکی بین لوطیان، پهلوانان، عیاران و اهل فتوت وجود دارد، برای درک پدیده لوطی‌گری ابتدا باید نگاهی گذرا به تاریخچه و سنت پهلوانی انداخت.

از آغاز دوره اسلامی تا کنون، پهلوانان در تمام عرصه‌های اجتماعی حضور داشتند. برخی از این پهلوانان، به حکومت رسیدند. برخی از محققان، پهلوانان و عیاران را یک گروه دانسته‌اند. پیشینه لوطیان را باید از عیاران و اهل فتوت جست‌وجو کرد. در قرون بعدی، لفظ «فتی» کاملاً با عیاری مترادف شد و کم‌کم عیاران و فتیان کوشیدند تا راه و رسم خود را بر تکیه‌گاه دینی متکی سازند. در واقع، عیار به معنای زیرکی مکاری و جوانمردی است. عیاری، یکی از طرق تربیت قدیم بوده است و عیاران، اصول و روش‌های مخصوصی در زندگانی داشته‌اند که به تدریج با تصوف در آمیخته شد و به صورت فتوت در آمد. لوطی‌ها نیز از اخلاف عیاران پنداشته شده‌اند.

در عصر قاجار، لوطیان جزو گروه‌های موثر و ذی‌نفوذ اجتماعی و دنباله‌رو و میراث‌دار عیاران بودند که در شهر زندگی می‌کردند. آنان عنصری فعال در اغتشاش‌های سیاسی و شورش‌های عصر قاجار بودند. با شروع انقلاب مشروطه، در درگیری‌ها و مبارزات مشروطه تأثیر بسیار گذاشتند؛ اما از آنجاکه تحت نفوذ نخبگان جامعه بودند، با شکل‌گیری دو گروه مشروطه‌خواه و سلطنت‌طلب، در هر دو جبهه حضور یافتند.

پژوهش حاضر که به صورت تحلیلی - توصیفی گردآوری شده، سعی دارد علل و انگیزه‌های حضور و مشارکت لوطیان در تحولات سیاسی و اجتماعی را بررسی کند. در واقع، پژوهش پیش رو، به دنبال پاسخ به این پرسش است که دلایل حضور لوطیان در حوادث مشروطه چیست؟ فرضیه ما، بر این اصل استوار است که لوطیان دوره قاجار، به دلایل متعدد نظیر: ویژگی‌های شخصیتی همچون شجاعت و بی‌باکی، ساختار تشکیلات سازمان‌یافته و وابستگی به طبقات بانفوذ، عنصر فعال در تحولات اجتماعی و سیاسی مشروطیت بودند.

پیشینه تحقیق

فقر مطالعات تاریخی در باره گروه‌ها و نهادهای اجتماعی، به‌ویژه لایه‌های زیرین جامعه، سبب فقدان تحقیقات کافی و وافی در حوزه مطالعات تاریخی اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره‌های تاریخ ایران شده است.

فقدان منابع کافی، دشواری و عدم مرزبندی دقیق گروه‌های حاشیه‌ای به لحاظ کارکردهای دقیق سیاسی و اجتماعی، سبب شده مطالعات منسجم، دقیق علمی و جامعی در باب لوطیان صورت نگیرد؛ اما در این راه، با وجود همه دشواری‌ها، پیشگامانی اقدامات اولیه‌ای را انجام داده‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین پیشگامان، آن لمبتون است که در جامعه اسلامی در ایران، لوطیان را از اخلاف عیاران می‌داند. وی می‌گوید در یادداشت‌های خود، اطلاعات فراوانی را در باب لوطیان ارائه می‌دهد. ویلم فلور، در جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران عصر قاجار، در دو بخش سیاسی و اجتماعی، لوطیان را مورد بررسی قرار داده است. حامد الگار، در کتاب دین و دولت به پیوند لوطیان اصفهان و سید محمدباقر شفتی تأکید دارد. ونس مارتین، مطالب دقیق و قابل ملاحظه‌ای را مطرح می‌کند. سهراب یزدانی در کتاب *مجاهدان مشروطه*، مطالب بسیار ارزشمند و دقیقی در باب حضور لوطیان در حوادث مشروطه تبریز ارائه کرده است. گاوین همبلی، در جلد ۱۱ کتاب *ایران کمبریج* مطلبی درباره انجمن لوطیان ارائه نموده است. مقالاتی درباره نقش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی لوطیان توسط نادر جلالی تحت عنوان «لوطی‌گری در عصر قاجار» تألیف شده است. مقاله نادر رزاقی و ولی دین‌پرست، به نام «نقش تهیدستان شهری و لوطیان و جهال تهران در انقلاب مشروطیت»، اطلاعات خوبی در باب حضور لوطیان در حوادث مشروطه ارائه می‌کند.

تعریف لوطی

ارائه یک تعریف کامل از جامعه لوطی‌ها، کار دشواری است. آنچه مسلم است، فرهنگ پهلوانی و لوطی‌گری در ایران ریشه دیرینه دارد. از سویی، در سفرنامه دهخدا، لوطی و لوطی‌گری، به معنای جوانمردی و بخشندگی، آزادگی، رفتار جوانمردانه و نیز به معنای شخص باسخت و دارای علو طبع و بی‌باک و شجاع آمده است. واژه «لوتی»، با «لوطی» متفاوت است. در *لغت‌نامه دهخدا* لوتی به معنای شکم‌پرست و نیز به مفهوم عریان، برهنگی، عریانی، لختی و عوری می‌باشد (دهخدا، ج ۱۲: ۱۷۴۹۱).

در واقع، لوطی، لفظی مشترک با کارکردهای نسبتاً متفاوت است. لوطی و لوطی‌گری، یک پدیده اجتماعی شهری در میان اجتماع جامعه ایرانی است که درک و فهم کارکردهای آن، متضمن بررسی عمیق‌تر آنان در زمینه گسترده‌ای از تاریخ اجتماعی ایران است (استون، بی‌تا: ۱۸).

در مورد پیشینه لوطیان می‌توان گفت: «تشکیلاتی بودند از جریان نیرومند عیاری و فتوت که هنوز در برخی از آنان رگه‌هایی از ارزش پهلوانی الهام‌بخش بود و ارزش‌هایی چون شجاعت و وفاداری و حفاظت از محله و شهر، آنان را مجذوب می‌ساخت» (ترکمنی، پرگاری، ۱۳۷۸: ۱۵). «لوطیان در دوره قاجار بر پایه سنت‌های دیرپای عیاری و جوانمردی پدید آمدند» (یزدانی، ۱۳۸۸: ۲۸). «یک لوطی، آدم رک‌گو و بی‌پروا بود. وقتی یک نفر لوطی خونس به جوش می‌آمد، دیگر بر روی پایش بند نبود و آماده هرگونه حادثه و ماجرای می‌شد» (نجفی، ۱۳۷۰: ۵۵۴). «با اینکه اکثرشان جزو طبقه پایین و غیرمتمکن بودند و کم‌وبیش از سواد و معلومات و خواندن و نوشتن بی‌بهره بودند، ولی اغلب به ارزش‌های اخلاقی و اصول مروت و انسانی کاملاً آشنایی داشتند» (همان).

نویسنده کتاب تاریخ و فرهنگ زورخانه، لوطیان را عیارنمایان و از مشهورترین گروه‌های زورخانه‌ای خوانده و جزو آخرین گروه‌های زورخانه‌رو و عیاران می‌داند: «آنان از نظر مردم از پهلوانان و کشتی‌گیران اعجاب‌انگیزتر و قدرتمندتر می‌نمودند. تا پیش از جوامع نوین شهری، از گروه‌های گوناگون عیاری بودند که به راهزنی و دستبرد به شهرها اشتغال داشتند و مطابق مرام و مسلک خود که پیروی از آیین فتوت بود، تمام اموال کاروانیان را نمی‌گرفتند و متعرض جان و ناموس کسی نمی‌شدند و سهمی و یا مازاد غنایم را به بینوایان می‌دادند» (انصاف‌پور، ۱۳۵۳: ۱۶۱).

«یک عده از این افراد جوانمرد را در روزگاران بعد از اسلام، فتیان، یعنی جوانمردان می‌گفتند و شعار آنها همبستگی به مفهوم وسیع کلمه بود؛ همبستگی در دوستی و انسانیت و قدرت بازو و اشتراک در مال. یکی دو قرن بعد از اسلام، این گروه را عیار می‌خواندند و عیاران، همان جوانمردان ازجان‌گذشته‌ای بودند که در زابلستان و سیستان دسته مخصوصی را تشکیل می‌دادند» (نجفی، ۱۳۷۰: ۵۵۵).

«دلایلی در دست است که نشان می‌دهد نقش بسیار آرمانی آنها که همراه بود با فتوت و جوانمردی، در قرن ۱۳ به نقشی تبدیل شد که غالباً همراه بود با بی‌نظمی» (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰).

(۱۴۴).

پولاک، سفرنامه‌نویس دوره قاجار که از سال ۱۲۶۹ تا ۱۳۷۸ در ایران سکونت داشت، درباره لوطی‌ها نوشته که چیزی هستند شبیه بزن‌بهدرهای آمریکای شمالی که شب‌ها برای دستبرد و ماجراجویی از خانه بیرون می‌روند، به عرق‌خوری و قماربازی تعلق خاطر دارند و گاه برای تفریح و گاه از سر سودجویی و بی‌نظمی بلوا راه می‌اندازند و در کمرگاه خود، دشنه‌ای دارند که سلاح آنان است» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸). در جای دیگر، پولاک آنان را جزو گروه‌های خرس‌بازان و میمون‌چرخان‌ها دانسته است (همان: ۲۶). فریزر در سفرنامه خود عنوان کرده که شعبده‌بازان و نوازندگان دوره‌گرد، به لوطی‌ها مشهور بوده‌اند (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۹۲).

منظور ما از لوطیان در این پژوهش، اشاره به گروهی است که با ورود در دسته‌بندی‌های سیاسی می‌توانستند در اغتشاشات سیاسی تأثیر عمده بگذارند.

جایگاه اجتماعی لوطی‌ها

در دوره قاجار کم‌کم شهرها بزرگ و پرجمعیت می‌شدند و در بُعد سیاسی حکومت می‌کوشید تا بر دایره اقتدار خود بیفزاید؛ اما برای این اقتدار، دستگاه‌های اداری، انتظامی و قضایی لازم و کارآمد پی‌ریزی نشده بود. در چنین زمانه‌ای، لوطیان در شهرها آفتابی شدند (یزدانی، ۱۳۸۸: ۲۸) و چون تا پیش از انقلاب مشروطه، مرجعی برای رسیدگی به دعاوی مردم وجود نداشت و دستگاه صلاحیت‌داری هم نبود که بتواند در برخوردهای میان مردم مداخله کند و مانع زورگویی و تجاوز افراد به یکدیگر شود، ورزشکاران زورخانه‌دیده و عیاران و پهلوانان و کهنه‌سواران، در مقام مرجعیت قرار داشتند و حافظ حقوق و عدالت و ناموس در میان مردم بودند (انصاف‌پور، ۱۳۵۳: ۱۲۴). در این جامعه، لوطی‌گری منشی برآمده از روابط اجتماعی برای کاهش فشاری بود که حکومت بر شهرنشینان فرودست تحمیل می‌کرد (مستوفی، ۱۳۷۱: ۴۴۹ - ۴۵۰).

نفوذ آنان در مسائل شهری، در حدی بود که پولاک در سفرنامه خود می‌نویسد: «بسیار خوب و مفید است که اروپایی‌ها در حمایت چند تن از این لوطی‌ها برگیرند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸) و این در حالی است که گاهی لوطیان با مأموران دولتی سرشاخ می‌شدند (یزدانی، ۱۳۸۸: ۲۹).

اهمیت محل سکونت در شکل‌گیری گروه‌بندی‌های لوطیان

در جامعه سنتی دوره قاجار، افراد در خصوص محله سکونتشان ابراز وفاداری می‌کردند.

لوطی‌ها در محلات مختلف شهر ساکن بودند و وظایف متعددی به عهده داشتند (فلور، ۱۳۶۶: ۲۷۷). آنها روزها پی کسب‌وکار می‌رفتند و شب‌ها در قهوه‌خانه‌های سرگذر جمع می‌شدند و یکی - دو ساعتی می‌نشستند و از حال هم باخبر می‌شدند و به اصطلاح گزارش کارهای خودشان را به یکدیگر می‌دادند (نجفی، ۱۳۷۰: ۵۵۷).

بدون تردید، روابط خانوادگی طایفه‌ای و مذهبی، خاستگاه محلی و شغلی بین لوطی‌های یک محله، همدلی به وجود می‌آورد و آنها خود را موظف می‌دیدند که در موقع نیاز، به یکدیگر یاری رسانند (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

مستوفی در کتاب خود، به این مسئله اشاره کرده که کمک به مردمان در مانده و افراد محل و اهل کوچه، از اخلاق لوطی‌ها بود (مستوفی، ۱۳۷۱: ۴۴۵). کسروی در کتاب تاریخ مشروطه اشاره کرده است که لوطی‌ها درباره محله خودشان تعصب داشتند و در ایام مذهبی و دیگر مناسبت‌ها همچون عید و یا راه افتادن دسته‌های عزاداری در خیابان‌ها، همه توان خود را به کار می‌گرفتند تا گوی سبقت را از دیگر محله‌ها برابند (کسروی، ۱۳۷۶: ۵۳۵ - ۵۳۶).

علل حضور لوطیان در حوادث سیاسی عصر قاجار، به‌ویژه مشروطیت

با وجود عدم تفکر سازمان‌یافته در میان لوطیان، مرام اخلاقی و اصول و ضوابط متأثر از روح جوانمردی و روحیه عدالت‌خواهی سبب می‌شد که آنان به برخی حوادث سیاسی دوران خود، بی‌تفاوت نباشند و واکنش نشان دهند. در بین لوطیان، اعتقاد به عدالت ریشه داشت و دعوی مشروطه‌خواهان در باب براندازی حکومت ظالم و ستمکار و وعده برپایی عدالت، برای لوطیان جذاب بود (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۴۶). لوطی بر طبق اصول جوانمردی و لوطی‌گری زندگی می‌کرد و هرکس برای رسیدن به این امتیاز، یعنی جوانمردی، می‌بایست به حمایت از ضعفا و مخالفت با ستمگری می‌پرداخت و به وعده خود عمل می‌کرد و به راستی سخن می‌گفت (کسروی، ۱۳۷۶: ۲۷۹ - ۲۸۰). می‌توان گفت که لوطی‌گری، پدیده‌ای اعتراضی به ستم حاکمان بود و این، یکی از شکل‌های ابتدایی اعتراض اجتماعی به شمار می‌رفت (حاج سیاح، بی‌تا: ۲۵۳). بخشی از دلایل حضور لوطیان در حوادث سیاسی، ناشی از ساختار حکومت بود. دولت به واسطه ضعف اداری و سیاسی، ناچار بود بسطی از عدم تمرکز را در حکومت مجاز شمارد (فلور، ۱۳۶۶: ۲۷۶). لوطیان گاه به عنوان بازوی اجرایی رهبران محلی، نظیر: کلانتر، مجتهد و دیگران، وظایفی نظیر گردآوری مالیات شرعی مانند خمس و زکات را به عهده می‌گرفتند؛ اما همیشه هم برطبق اصول

جوانمردی عمل نمی‌کردند و با رو به افول رفتن آرمان‌های عدالت‌خواهانه، کم‌کم همه جور افراد دغل، دزد و تبهکار در میان لوطیان راه یافت. دزدی، قتل و خیانت، بارزترین اشکال کارکردهای منفی لوطیان بود. گاهی با قتل مقامات حکومت، نظیر داروغه و یا فراش‌باشی که مردم را به ستوه آورده بودند، قهرمانانه مورد ستایش مردم واقع می‌شدند (کسروی، ۱۳۷۶: ۹۰ - ۹۱). همان‌طور که اشاره شد، وابستگی به محله، افراد بانفوذ و یا جریانی خاص، در اقدامات لوطیان مؤثر بود و باعث کارکردهای متفاوت آنان می‌شد؛ چنان‌که فریزر پس از حادثه گریبایدوف در سال ۱۲۴۴ش می‌نویسد: «لوطی‌های تهران، نه انگلیسی می‌شناسند و نه روسی و هرکسی را که به گمان خودشان برداشتش به نفعشان باشد، از میان برمی‌دارند و چنین فرصت خوبی را از دست نمی‌دهند» (فریزر، ۱۳۶۴: ۹۲).

میان لوطیان محلات مختلف چشم‌وهم‌چشمی و کینه و دشمنی رایج بود. پیش از انقلاب مشروطه، در میان کوی‌های تبریز این چنین بود که لوطیان، بازار گرمی برای کالاهایشان پیدا می‌کردند؛ ولی با وقوع انقلاب مشروطه، آن چشم‌وهم‌چشمی‌ها از میان رفت و بسیاری از آنان در زمره طرفداران مشروطه در آمدند؛ برای مثال، در عصر مشروطه، مشروطه‌خواهان سعی می‌کردند اختلافات میان هجده کوی تبریز را از میان بردارند. از این رو، ثقة‌الاسلام تبریزی در دوره دوم استبداد صغیر، نشست‌هایی برای ریش‌سفیدان و سردسته‌های محلات برگزار کرد؛ اما سرانجام رقابت لوطیان بر تدبیر ثقة‌الاسلام غالب آمد؛ به طوری که میرهاشم دوچی، از مخالفان مشروطه به تبریز آمد و توانست با استفاده از رقابت‌های لوطیان دوچی و امیرخیز، کینه و دشمنی دوچی‌ها را به ستارخان، لوطی امیرخیز، برانگیزد. این موضوع، به دشمنی لوطیان دوچی با مشروطه منجر شد (۱۳۲۷ش) (همان: ۹۰ - ۹۱). لوطیان صرف‌نظر از این رقابت و دشمنی محلات، به حراست از محله خود می‌پرداختند. مؤلف *افضل التواریخ* در این باره می‌نویسد: «آقا عزیز نامی، از لوطیان تهران که رتبه و نسبت شاهزادگی قاچار را وانهاد و به لوطی سرشناسی تبدیل شد، در عالم رشادت و لوطی‌گری، هیچ‌گاه نامردی نکرد و با اهل محل همراهی داشت» (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۲۷۸).

گاهی لوطی‌ها در اغتشاش‌هایی علیه دولت شرکت می‌کردند. در بحران‌های مبارزه با دولت، در واقع، برای لوطی‌ها امکان کسب اعتبار به وجود می‌آمد (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۶۲). اینکه دولت لوطی‌ها را شدیدتر از بقیه گروه‌ها به کیفر می‌رساندند، نشان از آن دارد که نقش لوطی‌ها در اغتشاش‌ها بسیار چشمگیر بوده است. بنابراین، لوطی‌ها در اغتشاشات شهری می‌توانستند تأثیر

عمده بگذارند. بخشی از دلایل حضور لوطیان در عرصه سیاسی، ناشی از رقابت خانواده‌های بانفوذ محلی بود (فلور، ۱۳۶۶: ۲۷۶ - ۲۷۷). عباس اقبال در کتاب *میرزا تقی‌خان امیرکبیر* نوشته است که امام جمعه تهران، لوطیان فراوانی را در اختیار داشت و آنها را در مسجد پناه می‌داد (اقبال، ۱۳۴۰: ۱۷۲). از آنجا که لوطی‌گری یک مرام سیاسی نبود، از این‌رو، نه آزادی‌خواهانه بود، نه دشمن آزادی. پس، عواملی چون: وابستگی به محله، نوع شغل و حرفه ساکنان آن، گرایش‌های مذهبی و فرقه‌ای و نفوذ طیف‌های مختلف علما بر آنها، لوطیان را در موقعیت‌های متفاوت هواداری از مشروطه و یا مخالفت با آن قرار می‌داد (یزدانی، ۱۳۸۸: ۶۰). مسئله مهم، جایگاه آنها در محل سکونتشان بود. از ایران پیش از مشروطه محله، واحد اصلی زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرها بود. در این مکان، لوطی‌ها کاربرد اجتماعی خود را می‌یافتند (همان: ۲۹). نویسنده کتاب *مجاهدان مشروطه* پس از شرح جنگ‌های شهری تبریز عنوان می‌کند: «تفنگچیان اسلامی را لوطیان، کاسبان خرد و مغازه‌دارهای کوچک مثل قصاب و علاف تشکیل می‌دادند» (همان: ۸۰).

از دیگر دلایل حضور لوطیان، تشکیلات سازمان‌یافته آنان بود. وفاداری شدید و هویت گروهی، آنها را به هم پیوند می‌داد. آنان گروهی سازمان‌یافته بودند و رهبری منتخب به نام لوطی‌باشی داشتند و به همین جهت، در امور سیاسی تأثیرگذار بودند (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

لوطیان منطقه سرپولک، تحت فرمان مهدی یوزبانی، معروف به گاوکش بودن که یک لوطی بود (۱۲۸۲ش/۱۳۱۰ق). وی از پیروان و هواداران آیت‌الله بهبهانی به شمار می‌رفت. به هنگام مخالفت محمدعلی شاه و نیروهای استبداد با مجلس، از مدافعان مجلس بود؛ اما درخواست نمایندگان بر پراکندگی مدافعان مجلس، سبب سرخوردگی او شد و خودکشی کرد؛ «مهدی گاوکش که در جمعه گذشته شنید شاه با مجلس ضدیت دارد و می‌خواهد مخالفت کند، تریاک خورده و خود را کشت. گفته بود نمی‌توانم این بی‌شرفی را بر ملت ایران ببینم که یک دفعه مهر سکوت بر دهان‌ها گذاشته شود و همگی راضی شوند به این بی‌شرافتی» (کرمانی، ۱۳۶۴: ۱۵۵).

یحیی دولت‌آبادی در کتاب *حیات یحیی* به جریان به چوب بستن حاج سید هاشم قندی و تعطیلی بازار در شوال ۱۳۲۴ اشاره کرده که فردای آن روز به دعوت آیت‌الله بهبهانی و برخی از علما در مسجد شاه گرد آمدند تا به فعالیت‌های دولت، به‌ویژه اقدامات علاء‌الدوله حاکم تهران، اعتراض کنند. در آن روز، لوطیان هوادار امام جمعه تهران، با سخنرانی سید جمال واعظ که علیه شاه صحبت کرده بود، مجلس او را به هم زدند. در مقابل نیز صد نفر از جوانمردان لوطی، سید

جمال را با هدایت آیت‌الله بهبهانی به خانه سید محمد طباطبایی بردند (دولت‌آبادی، ۱۳۳۶: ۱۳ - ۱۴).

به گزارش ناظم الاسلام در جریان مهاجرت سید جمال افجه‌ای در سال ۱۲۸۷ ش/۱۳۲۶ ق، لوطیان هوادار او ضمن تیراندازی به نیروهای قزاق، سبب عقب‌نشینی آنها شدند. سوارهای قزاق، اطراف درشکه را گرفتند و مانع عبور آقا شدند. افراد جبهه آذربایجان که به یاری جناب آقا آمده بودند، بین آنها و قزاق‌ها جنگ درگرفت و چند تیر به طرف ملت خالی شد (همان: ۱۵۶). از دیگر حوادثی که حضور طرفداران لوطی مشروطه‌خواه را می‌توان مشاهده کرد، حادثه دستگیری شیخ محمد واعظ است. ۱۷ جمادی الأول ۱۳۲۴ در محله سرپولک، نیروهای دولتی به فرماندهی احمدخان، شیخ محمد واعظ را دستگیر کردند. در ماجرای دستگیری، طلبه‌ای جوان به نام سید عبدالحمید، با گلوله‌ای تفنگ احمدخان (رئیس قزاق‌ها) کشته شد. قزاق‌ها نعش سید را به منظور جلوگیری از پیامدهای آن، با خود بردند تا مستمسکی به دست علما و اهالی نیاید (کرمانی، ۱۳۶۴: ۱۳). از این رو، یکی از لوطیان به نام علی کوهی با کمک عده‌ای از یارانش با جسارت فراوان، ضمن تعقیب و درگیری با قزاق‌ها، نعش سید را از آنان باز پس می‌گیرد و آن را به مسجد محل می‌رساند (کسروی، ۱۳۷۶: ۱۵۷).

نقش لوطیان در حوادث میدان توپخانه

در رویارویی مشروطه‌خواهان و طرفداران استبداد، یکی از بارزترین حرکت‌های لوطیان هوادار سلطنت، ایجاد تحرکات و فجایعی در میدان توپخانه است. در ذی‌قعدة سال ۱۳۲۵، نزدیک به ۳۰۰ نفر هوادار مسلح در حفاظت از مجلس حاضر بودند و مسجد و مدرسه سپهسالار در اختیار مشروطه‌خواهان بود و آنها بر عمارت‌های بهارستان که به لحاظ استراتژیک، بسیار اهمیت داشت، مسلط بودند (دولت‌آبادی، ۱۳۳۶: ۱۶۷). در جبهه مقابل، محمدعلی شاه و برخی روحانیون مخالف مشروطه بودند. عمده‌ترین مجری این تحرکات، لوطیان بودند که روحانیون هوادار سلطنت را حتی برخلاف میل باطنی آنها به میدان آوردند (کسروی، ۱۳۷۶: ۵۸۸).

از رهبران مهم لوطیان تهران در حوادث توپخانه و مشروطیت، دو چهره از دیگران مشهورترند؛ یکی خسروخان معروف به مقتدر نظام، و دیگری سید محمدخان معروف به صنیع حضرت. کسروی در کتاب تاریخ مشروطه می‌نویسد: «بدخواهان بسیج افراز می‌کردند و چون پایان یافت روز ۱ شنبه ۲۳ آذر، ۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۶، ۲۱ و ۲۲ ۱۲۸۶، به کار برخاستند. دسته‌ای از

اوباش سنگلج، به پیشروی مقتدر نظام و گروهی از بی‌سروسامان‌های چاله‌میدان به سرکردگی صنیع حضرت، هرکدام از کوی خود راه افتاده، رو به سوی مسجد سپهسالار روانه شدند و چون از خیابان‌ها گذشتند، به آنجا رسیدند، دو دسته به هم پیوستند. پس از استقرار در میدان توپخانه، چادرهایی در میدان برپا کردند و مخالفان را منسجم و سازماندهی کردند» (همان: ۴۹۲).

«جمعی از اراذل و اوباش شهر را زیر آن چادرها و در فضای میدان جمع می‌کنند. شیخ فضل‌الله نوری و سید علی یزدی و میرزا ابوطالب زنجانی و ملامحمد آملی و ملامحمدعلی رستم‌آبادی و جمعی دیگر از روحانیون را که با شاه همراه هستند، در میدان حاضر کرده در حیاطی که پشت میدان توپخانه واقع و درش از میدان باز است، نزدیک قورخانه آنها را منزل داده و آش و پلو مفصلی تدارک دیدند. شب‌ها مشروب بسیار برای مشت‌ها و سردستگان اشعار حاضر می‌کنند و همه را سرمست خدمتگزاری به شاه می‌نمایند. جمعی از فواحش را برای هتاکی کردن نسبت به مشروطه‌خواهان در مجلس توپخانه حاضر می‌کنند» (دولت‌آبادی، ۱۳۳۶: ۱۶۹).

«مشتی‌های محله چاله‌میدان به همراهی صنیع حضرت و مشت‌های محله سنگلج به همراهی مقتدر نظام، در اطراف شهر به آزار نمودن مردم و بردن عبا و ساعت و هرچه از هرکس به دست می‌آوردند، می‌پردازند» (همان).

«در روز دوم، در میدان توپخانه جنایتی مهیب روی داد؛ در حین سخنرانی سید محمد یزدی، جوانی به نام عنایت‌الله در میان جمع سخنی گفت که بوی مخالفت داشت. برخی از لوطیان، او را با قداره و قمه و کار قطعه‌قطعه نمودند و بدن وی را به دار آویختند» (همان).

شدت ناامنی، حتی سبب واکنش دولت روسیه و انگلستان شد و آنان طی تماس مشترکی از شاه خواستند که رهبران لوطیان و اوباش را از میدان توپخانه به محل‌های خویش بازگرداند. روزنامه‌ها، به‌ویژه مساوات، از محمدعلی آشکارا بدگویی می‌کردند و او را با لویی ۱۶ مقایسه می‌کردند. این گفته‌ها، محمدعلی میرزا را واداشت که بار دیگر با مجلس دوستی و آشتی نماید و از آزادیخواهان دلجویی نماید (کسروی، ۱۳۷۶: ۵۱۴). محمدعلی میرزا، یک بار دیگر از نگهداری اوباش دست برداشت. ایجاد مقابله با لوطیان از طریق وکلای مجلس، انجمن‌ها و ناطقین در محافل عمومی، شدت بخشیده شد؛ به‌ویژه که قتل ارباب فریدون زردشتی را در آغاز جنبش مشروطیت که به هواداری از مشروطیت شهرت داشت نیز به رهبران لوطی توپخانه نسبت داده بودند (همان: ۵۱۵).

دولت‌آبادی در کتاب حیات یحیی در مورد مجازات لوطیان می‌نویسد: «جمعیت زیاد در عدلیه

حاضر شد. آن ۴ نفر در خسروخان مقتدر نظام، اسمعیل خان، سید محمد خان سنیع حضرت و سید کمال را به سه پایه بسته، به هرکدام ۳۰۰ شلاق می‌زنند و بعد عکس آنها را برداشته زنجیر گردن هریک نهاده، روانه کلات می‌نمایند (۱۶ مرداد ۱۲۸۷) «(دولت‌آبادی، ۱۳۳۶: ۱۹۰). دولت‌آبادی مجازات اشرار را دقیقاً بر ضد حوزه استبداد می‌داند و عقیده دارد مرکز استبداد را سیاست کرد. ظاهراً طبق برنامه تدوین‌شده توسط لیاخوف، دستگیری مشروطه‌خواهان و غارت مجلس، به اشرار (الواط) تهران سپرده شده بود (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۹۳).

«مجلس ملی که حصن حصین ملت است، در تصرف معدودی از فدائیان چاله‌میدانی بود. در مقابل، عده‌ای از لوطیان در صف مشروطه‌خواهان قرار داشتند. به گزارش برخی از منابع، یکی از لوطیان تهران به نام سید حسن، قصد داشت لیاخوف روسی را هدف گلوله قرار دهد؛ اما درخواست ملک المتکلمین به منظور جلوگیری از بهانه‌تراشی‌های روس‌ها، مانع [این کار] شد» (تفرشی، ۱۳۵۱: ۲۲۱) (با اندکی ویرایش)). خوش خدمتی بخشی از الواط و اشرار تهران به کودتا و نیز اهمیت لوطیان در حفظ نظام استبداد، سبب شد مقدمات بازگشت رهبران لوطی از کلات زودتر فراهم شود و در تاریخ یک‌شنبه ۱۳ جمادی الثانی، یعنی ۱۹ روز پس از به توپ بستن مجلس، لوطیان تبعیدی با شکوه تمام وارد تهران شدند. مقتدر نظام و صنیع حضرت، در کلات محبوس بودند و تلگراف مرخصی آنها و سایر محبوسین کلات مخابره شده بود که به احترام فوق العاده، وارد تهران شدند (کرمانی، ۱۳۶۴: ۱۷۱).

نقش لوطیان در جریان ورود نیروهای متفقین به تهران

در جریان ورود نیروهای متفقین به تهران و زدو خورد میان سلطنت طلب‌ها و مجاهدین نیز لوطیان نقش داشتند. «روز سه‌شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۲۷ اول آفتاب حامیان اسلام و مجاهدین والامقام، یعنی اردوی سپهداری، از دروازه ورود به شهر کرده و مجلس را که در تصرف معدودی از شیاطین و فدائیان چاله‌میدانی بود، بعد از آنکه چند نفر از آنها کشته شده، مابقی فرار و تخلیه نموده و آن مکان مقدس را از وجود کثیف اینها پاک گردید» (تفرشی، ۱۳۵۱: ۲۱۴).

مقتدر نظام، از مجاهدین تقاضای تأمین کرده بود که خود را در اختیار ایشان قرار می‌دهد؛ به شرطی که مقداری اسلحه از شاه گرفته و عهده‌دار دفاع از یکی از دروازه‌ها شود و هنگامی که نیروهای مجاهدین به تهران می‌رسند، وی دروازه را به روی آنان باز کند. ظاهراً پس از آن، مقتدر نظام «سردار اعتماد» لقب گرفت (نوایی، ۲۵۳۶: ۴۲). وی انصافاً به وعده خود وفا کرد و

در هنگام فتح تهران، دروازه‌های قزوین و گمرک را به تصرف مجاهدین داد. (کرمانی، ۱۳۶۴: ۵۲۹).

در مورد سرنوشت صنیع حضرت، در کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* نوشته شده: «در روز ۵ شنبه ۱۱ رجب ۱۳۲۷، در میدان توپخانه طرف غربی حکم مجازات او صادر گشت. مقارن غروب آفتاب، او را از محبس نظمیه وارد محضر عام کرده، وی را به پای دار آوردند، ریسمان را به گردنش آویخته و تخته از زیرپایش کشیدند» (همان).

نتیجه

لوطیان، در انقلاب مشروطه نقشی مهم و قابل توجه داشتند. آنان با توجه به اینکه فرهنگ خود را از فرهنگ عیاری و فتوت زمان قبل از خویش به ارث برده بودند، در دوره قاجار وظایف گوناگونی نظیر حمایت از اقشار ضعیف جامعه و ایجاد نظم را به عهده گرفتند که البته به مرور زمان، این نقش‌ها گاهی متفاوت گشت و جنبه منفی به خود گرفت.

از دلایل حضور لوطیان در عرصه سیاست در زمان مشروطه، روحیه عدالت‌خواهانه بی‌باکی و شجاعت آنان بود که باعث می‌شد در جریان حوادث مشروطه که توجه مردم را به خود جلب کرده بود، ساکت ننشسته و به جریان‌های درگیر بپیوندند.

دلیل دیگر، تشکیلات سازمان‌یافته و وفاداری شدید به هویت گروهی بود. آنان در دوره قاجار تشکیلات نسبتاً منسجمی داشتند و همین سازماندهی بود که آنان را قادر می‌ساخت بر امور سیاسی شهر تأثیر گذارند. تشکیلات لوطی‌ها و حمایت آنان از یکدیگر، بر قدرت و ابتکار عمل آنها می‌افزود.

شجاعت و جسارت ذاتی و تشکیلات سازمان‌یافته و مناسبات لوطیان با کانون‌های قدرت، باعث می‌شد جناح‌های سیاسی برای رویارویی با مخالفان، از آنان استفاده نمایند. بنابراین، رقابت جریان‌ها و جناح‌های ذی‌نفع در جریان حوادث مشروطه، موجب می‌شد که آنان وارد مبارزات دوره مشروطه شوند و به کانون‌های قدرت یاری رسانند و در عوض، مورد حمایت آنان قرار گیرند. لوطی‌ها در دوره مبارزات مشروطه، به دو گروه مجاهدان و سلطنت‌طلبان پیوستند. لوطی‌های طرفدار شاه، برای مبارزه با لوطی‌های مشروطه‌خواه، به سلطنت‌طلب‌ها پیوستند. در مقابل، عده‌ای از آنها بر اثر بی‌عدالتی شاه به مجاهدان ملحق شدند. علت این دوگانگی در اعتقاد، این بود که لوطی‌ها برنامه و یا عقیده نظام‌مندی نداشتند و اکثر لوطیان، به جز معدودی افراد، فاقد بینش سیاسی و اجتماعی عمیق بودند و پس از پایان مبارزات، آنان نیز پراکنده و به کناری گذاشته شدند.

منابع

- اقبال، عباس (۱۳۴۵)، میرزاتقی‌خان امیرکبیر، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: چاپ اول.
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۳)، تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، ایران و ایرانیان، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- ترکمنی، آذر و پروین پرگاری (۱۳۷۸)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران دوره صفاریان و علویان، تهران: انتشارات سمت.
- تفرشی حسینی، سید احمد (۱۳۵۱)، یادداشت‌ها، به کوشش: ایرج افشار، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، تهران: امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۳۶)، حیات یحیی، ج ۲، تهران: ابن سینا.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، ج ۱۲، دانشگاه تهران.
- سیاح محلاتی، محمدعلی (حاج سیاح) (۲۵۳۶ شاهنشاهی)، خاطرات، جلد اول، مجموعه خاطرات سفرنامه‌های ایران، زیر نظر: ایرج افشار، به کوشش: حمید سیاح، به تصحیح: حامد الگار، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- فریزر، جیمز (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: توس، چاپ اول.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- کسوری، سید احمد (۱۳۸۰)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- لمبتون، آن.ک.س (بی‌تا)، نگرشی بر جامعه اسلامی ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: مولی.
- مارتین، ونسا (۱۳۹۰)، عهدقاجار، مذاکره اعتراض و دولت در ایران قرن ۱۳، ترجمه: حسن زنگنه، تهران: ماهی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی، اداری دوره قاجار، ج ۱، تهران: کتاب هرمس.

- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت، ج ۳، تهران: سخن.
- ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۶۴)، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲، به کوشش: علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۰)، طهران عهد ناصری، تهران: عطار.
- نویسی، عبدالحسین (۱۳۳۶ شاهنشاهی)، فتح تهران، گوشه‌هایی از تاریخ مشروطیت، تهران: بابک.
- یزدانی، سهراب (۱۳۸۸)، مجاهدان مشروطه، تهران: نشر نی.

